

نقش حق وتو در حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه

فاطمه ثنائی نسب

حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه در زمره اهداف و برنامه‌هایی است که در سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی اهمیت شایانی دارد. مهم‌ترین رکن سازمان ملل شورای امنیت است و وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و از امتیاز ویژه‌ای تحت عنوان وتو بهره‌مند است که در اختیار پنج عضو دائم آن می‌باشد. با توجه به این که اصلی‌ترین وظیفه این رکن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است این پرسش به ذهن متبادر می‌گردد که حق وتو چه نقشی در حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه در دنیای امروز دارد؟ با بررسی موارد استفاده از حق وتو به این امر واقف می‌شویم که گاهی این امتیاز خود مانعی در جهت حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه گردیده و ابزاری در جهت منافع قدرت‌طلبانه استفاده‌کنندگان از این امتیاز بوده است. از این رو، لازم است در جهت حفظ صلح که از بزرگترین آرمان‌های بشریت است، به کوشش اعضای جامعه بین‌المللی از دایره اختیارات صاحبان این حق در موارد به کارگیری از این امتیاز کاسته شود.

کلید واژگان: حق وتو، صلح، حقوق بشردوستانه، شورای امنیت.

نقش حق وتو در حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه

فاطمه ثنایی نسب*

مقدمه

سازمان ملل متحد مهمترین سازمان بین‌المللی است که وظیفه حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه^۱ را در عصر کنونی برعهده دارد و اولین اصل آن نیز به مسئله حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که ارتباط تنگاتنگ و جدایی‌ناپذیری با حقوق بشردوستانه دارد می‌پردازد. رکنی که این وظیفه خطیر را برعهده دارد شورای امنیت است و متشکل از ده عضو موقت و پنج عضو اصلی است. این پنج عضو اصلی، کشورهای فاتح جنگ جهانی دوم و مؤسسان سازمان ملل هستند و شامل کشورهای چین، روسیه، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا می‌باشند که دارای امتیاز ویژه‌ای به نام وتو^۲ هستند. در منشور سازمان ملل متحد هرگز کلمه‌ای به نام وتو قید نشده است، بلکه لزوم جلب ۹ رأی موافق از مجموع ۱۵ رأی اعضای شورای امنیت که باید

* فاطمه ثنایی نسب پژوهشگر و کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی دامغان است (Fatemeh.sanaie@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۴۷-۲۲۱.

شامل ۵ رأی موافق اعضای دائم شورا باشد مطرح است. به این ترتیب، مخالفت یکی از اعضای دائم به معنای عدم تصویب قطعنامه و به اصطلاح وتوی آن است. این امتیاز مهمترین ابزار و سلاح شورای امنیت می‌باشد و از همان بدو وجود موافقان و مخالفان زیادی پیدا نمود و مهمترین انتظاری که از این امتیاز می‌رود استفاده از آن در جهت حفظ صلح و امنیت جهانی و پیشبرد حقوق بشردوستانه می‌باشد.

هدف ما در این مقاله، نشان دادن نقش و جایگاه واقعی حق وتو در حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه در دنیای امروز است. از این رو، مهمترین سؤالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که حق وتو چه نقشی در حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه در دنیای امروز دارد؟ در جستجوی پاسخ این سؤال، ما با دو فرضیه رو به رو می‌شویم؛ بنا بر فرضیه نخست، حق وتو باعث حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه در دنیای امروز است. و طبق فرضیه دوم، حق وتو نه تنها عامل حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه نیست، بلکه خود مانعی بر سر راه حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه است. روش تحقیق ما در این مقاله مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و مراجعه به سایت‌های معتبر روز حقوق بین‌الملل است. از این رو، این مقاله تلاش می‌کند طی سه بخش به این موضوع بپردازد؛ بخش نخست به بررسی پیشینه و ابعاد وجودی حق وتو با نگاهی به مفاهیم صلح و حقوق بشردوستانه می‌پردازد، در بخش دوم، عملکرد حق وتو در سال‌های اخیر از رویکرد حفظ صلح و حقوق بشردوستانه بررسی می‌شود و در بخش سوم، ضمن بررسی محدودیت‌ها و لزوم اعمال اصلاحاتی در مورد حق وتو در جهت حفظ صلح و پیشبرد سازنده‌تر حقوق بشردوستانه، نقش‌و‌جایگاه واقعی حق وتو را در حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه نشان خواهیم داد.

۱. پیشینه و ابعاد وجودی حق وتو با نگاهی به مفاهیم صلح و حقوق بشردوستانه

جنگ جهانی دوم که مسبب کشتار میلیون‌ها انسان بی‌گناه و رنج‌آورترین فجایع بشری بود عملاً نا کار آمدی جامعه ملل را نشان داد. جامعه ملل تازمانی که پابرجا بود دورنمایی با شکوه و بی‌سابقه از جامعه مشترکی را که روح بین‌المللی در آن دمیده شده بود را به جهانیان عرضه کرد و آنها را به طور اختیاری به اصول حقوق ملل پای بند نمود^۳ و گامی مهم در جهت حفظ صلح، حقوق بشر و شرافت انسانی که بزرگترین آرمان بشریت خسته از جنگ جهانی اول بود برداشت. اما دارای ضعف‌هایی همچون درج نمودن متن میثاق در میان متون چهارگانه معاهدات

صلح و رسای بود. هرچند که بعدها میثاق جامعه از معاهدات و رسای جدا شد و به عنوان سندی مستقل شناخته شد ولی این باور که قدرت‌های فاتح از نفوذ بیشتری در سازمان ملل برخوردارند به قوت خود باقی ماند. روش رأی‌گیری در جامعه ملل به طریق اتفاق آراء صورت می‌گرفت که این روش میراث کنفرانس‌های دیپلماتیک سنتی بود. البته، بعدها جامعه ملل به این مشکل پی‌برد و کم‌کم روش رأی‌گیری با اکثریت ساده را جایگزین روش اتفاق آراء کرد. صلاحیت مجمع و شورای جامعه در زمینه صلح و امنیت جهانی بود. با وجود آنکه در جامعه ملل برخی از مسائل همچون اخراج اعضاء در صلاحیت انحصاری شورا و برخی چون پذیرش اعضای جدید در صلاحیت انحصاری مجمع بود، ولی مهمترین مسأله جامعه که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود در صلاحیت هر دو رکن گذارده شده بود. در این زمینه، حدود اختیارات این دو رکن نامشخص بود و میثاق هیچ اولویتی بین این دو رکن در رسیدگی به این گونه مسائل قایل نشده بود و وسعت وظایف شورا که باعث می‌شد قدرت‌های بزرگ جامعه با یکدیگر در مسایل مختلف سیاسی، اقتصادی اختلاف نظر پیدا نمایند و دیگر دلایلی چون امکان خروج اعضاء از سازمان و ضعف در ضمانت اجرا باعث شد تا به موازات این تحرک، ائتلاف جامعه بین‌المللی در جهت معکوس نیز جنبشی برای متلاشی نمودن این جامعه به وجود آید. از این رو، با تکیه بر تجربه جامعه ملل که نتوانسته بود نظام امنیت جمعی و صلح پایدار و حقوق بنیادین بشر را حفظ کند، تدوین‌کنندگان منشور و سازمان ملل متحد در صدد بر آمدند تا با اعطای شورایی از دولت‌های قدرتمند و اعطای حق رأی ممتاز و تو به اعضای دائم این شورا صلح جهانی را تضمین کنند. این امتیاز در کنفرانس یالتا از طرف روزولت رئیس‌جمهور وقت امریکا پیشنهاد شد و به تأیید رهبر انگلستان و شوروی رسید.

و تو واژه‌ای لاتینی و به معنای «من منع می‌کنم» است. این واژه نخست در مجلس‌های دوره امپراتوری روم بکار می‌رفت. اگر در یک نظام رأی‌گیری نظر مخالف یک یا چند رأی‌دهنده، فارغ از نتیجه شمارش آراء، بتواند نتیجه را ملغی کند می‌گویند «رأی و تو شده است». باید اذعان کرد که در منشور صریحاً از امتیازی به نام و تو نامبرده نشده و فقط در این خصوص در ماده ۲۷ منشور ملل متحد آمده است: «هر عضو شورای امنیت یک رأی دارد. تصمیمات شورای امنیت در مورد موضوعات رویه‌ای باید با رأی مثبت ۹ عضو به تصویب رسد. تصمیمات درباره سایر موضوعات با رأی مثبت ۹ عضو شامل آراء موافق تمام اعضای دائم به تصویب خواهد رسید، به این شرط که در مورد تصمیماتی که به موجب

مندرجات فصل ششم و بند سوم از ماده ۵۲ اتخاذ می‌شود طرف دعوی از دادن رأی خودداری نماید». تا سال ۲۰۱۳ بیش از ۲۷۰ مرتبه از حق وتو توسط اعضای دائم شورای امنیت استفاده شده که در آن میان، حجم وتوی شوروی با تعداد ۱۲۴ مرتبه از همه بیشتر و تعداد دفعات وتوی چین از همه کمتر بوده است،^۶ هرچند از سال ۱۹۷۲ و به ویژه پس از فروپاشی شوروی، بیشترین میزان استفاده از این حق توسط امریکا صورت پذیرفته است. نکته دیگر، کاهش استفاده از حق وتو در سال‌های اخیر است، گویا اینکه تا پیش از فروپاشی شوروی، به طور معمول هر سال اندکی بیش از ۵ قطعنامه وتو می‌شد، اما پس از آن، این رقم به کمی بیش از یک قطعنامه کاهش یافته است. شایان ذکر است، هنگامی که منشور ملل متحد به تصویب رسید و با توجه به شرایط خاصی که در آن زمان حاکم بر جامعه بین‌المللی بود سایر کشورهای جهان با قبول حق وتو برای اعضای دائمی شورای امنیت برتری این کشورها و قبول مسئولیت از جانب آنها برای نگهداری و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی صحنه گذاشتند و البته با امضای منشور ملل متحد تصور نمی‌کردند که این حق عاملی در جهت فلج کردن شورای امنیت در مواقع بحرانی باشد.^۷ این حق، در همان ابتدای امر، نظرات مخالف و موافق زیادی را برانگیخت که به مرور و بررسی آنها با رویکرد حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه می‌پردازیم.

۱-۱. دیدگاه موافقان حق وتو از رویکرد حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه

موافقان برقراری و حفظ حق وتو معتقدند حق وتو ضمانت حسن اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت است و اگر قطعنامه‌ای بدون رضایت پنج عضو دائم شورای امنیت به تصویب برسد ضمانت اجرایی نخواهد داشت.^۸ ضمن آنکه برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حضور و همچنین هم‌رأیی قدرت‌های بزرگ الزامی است و این سازوکار تنها با رویه‌ای همچون حق وتو امکان‌پذیر است و این امر از پیش شرط‌های تأسیس سازمان ملل بوده و در صورت اختلاف بین قدرت‌های بزرگ در خصوص مسائل مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی و باقی ماندن آنان بر این اختلاف، خود این امر امکان وقوع جنگ را در جهان بیشتر می‌کند. به همین دلیل، باید سازوکاری همچون حق وتو وجود داشته باشد که به واسطه آن یک کشور بزرگ در صورتی که تصمیمی را برخلاف منافع یا دیدگاه‌های خود ببیند، به جای قهر یا جبهه‌بندی با کشورهای دیگر و انزوا و شاید هم دشمنی و آغاز جنگ، با مخالفت خود کل صورت مسأله را پاک کند

و این امتیاز عاملی می‌شود در جهت ممانعت از جنگ و درگیری میان اعضای دائم شورای امنیت،^۹ زیرا آنچه مسلم است این کشورها تا زمانی پایبند به صلح و دوری از درگیری هستند که منافع سیاسی و ملی آنها در خطر نباشد و آگاهی از این امر که طرف مقابل آنها نیز دارای چنین حقی است مانع از آن می‌شود تا آنها بخواهند عملاً و آشکارا دست به تصمیمی برخلاف امنیت سیاسی و ملی طرف مقابلشان بزنند زیرا عالم به این امر هستند که کشور مقابل نه تنها با وتوی خود مانع از رسیدن آنها به هدفشان می‌گردد بلکه چهره بین‌المللی آنها را نیز به عنوان حافظ صلح مخدوش می‌سازد. یکی دیگر از دلایل موافقان این حق این مسأله است که گاهی ممکن است کشوری احساس کند فشار و تعهدات زیادی از سوی جامعه بین‌المللی بر وی تحمیل شده است و قادر به تحمل این فشار و تعهدات نیست و عواید ترک این سازمان بیش از نتایج ماندن در این سازمان است. پس، اقدام به ترک سازمان و شانه خالی کردن از زیر تعهدات بین‌المللی خود می‌کند و ترک سازمان توسط یک قدرت بزرگ خطرانی به مراتب بسیار عظیم‌تر از داشتن امتیاز وتو را به دنبال دارد چه بسا باعث شعله ور نمودن آتش جنگ و زیر پا گذاشتن کامل قواعد حقوق بشر دوستانه گردد بدون هیچ‌گونه واژه‌ای از هر نوع نهاد و ناظر بین‌المللی به ویژه در مورد ابرقدرت‌هایی که در بسیاری از موارد خود کفا و بی‌نیاز از رقبا هستند. هرگونه خروج این قدرت‌ها از سازمان ملل، حتی اگر در قالب اخراج باشد که ممکن است از روی ناچاری و احساس خطر از ناحیه منافع ملی یا سیاسی این کشورها آنها را به این ورطه کشانده باشد تبعات جبران‌ناپذیری را در حفظ صلح به دنبال داشته باشد. طرفداران این ایده معتقدند اخراج شوروی از جامعه ملل در اوایل جنگ جهانی دوم به دلیل حمله به دانمارک یا بیرون بودن آمریکا از جرگه اعضای جامعه ملل، بزرگترین ضربه را به کارآمدی این نهاد زد و سبب شد تا با بروز نخستین اختلافات میان کشورها، جامعه ملل از هم فرو پاشد و نه تنها مانع وقوع جنگ جهانی دوم نشود، بلکه حتی نتواند میان اعضای خود نیز آشتی و مصالحه برقرار کند. بر همین اساس هم بود که کشوری که بیشتریناصرار بر لزوم عضویت آمریکا در سازمان تازه تأسیس ملل سال ۱۹۴۵ داشت و در این راه تا اندازه‌ای در رسیدن به هدف خود اصرار ورزید که حتی دبیرخانه سازمان ملل را به اجبار در آمریکا قرار داد تا شاید آمریکا را پایبندتر نماید شوروی سابق بود. شاید ریشه‌های همین تفکر است که نه تنها معتقد به لزوم باقی ماندن این تبعیض حقوقی است، بلکه آنرا به‌نوعی در جهت منافع جامعه جهانی نیز می‌داند. ضمن اینکه هرچند در سازمان ملل یک کشور کوچک و توسعه نیافته بر اساس

حاکمیت ملی خود دارای یک رأی است و یک کشور توسعه یافته قدرتمند نیز دارای یک رأی است اما هرگز تأثیری که این دو در حفظ صلح جهانی دارند یکسان نیست، زیرا معمولاً کشورها کمتر راضی می‌شوند از کشوری که از آنها ضعیف‌تر است تبعیت کنند و خود نیز در مورد حل و فصل اختلافاتشان تمایل به سمت قدرت‌های بزرگ دارند و شاید هرگز دخالت و میانجی‌گری یک کشور کوچک‌تر و ضعیف‌تر را نپذیرند. خود این دخالت و میانجی‌گری می‌تواند باعث شعله‌ورتر نمودن آتش جنگ و گسترده‌تر کردن روابط خصمانه شده و به ابزاری در جهت تهدید صلح تبدیل گردد. معمولاً این کشورهای قدرتمند هستند که بیشترین بار مالی اداره چنین سازمان بزرگ بین‌المللی را به دوش می‌کشند و متناسب با بار مسئولیت و تعهد مالی و نفودی که بر سایر کشورها دارند این حق را برای خود عادلانه به شمار آورند تا از امتیاز بیشتری نسبت به دیگر کشورها برخوردار باشند. به طور کلی، موافقان حق وتو اظهار می‌دارند هرچند در برخی موارد وتوی یک کشور، جامعه جهانی را از رسیدن به مطلوبی خواسته شده از سوی بخش عمده‌ای از افکار عمومی جهانی باز می‌دارد، اما این انتخاب میان بد و بدتر است. بد، مخالفت با خواست جامعه جهانی است و بدتر، ایستادن جامعه جهانی در مقابل یک قدرت بزرگ و ترس از افراطی شدن فضا است. بنابراین، وجود حق وتو به مراتب بسیار بسیار ارزشمندتر از نبود آنست که نه تنها کمکی به حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه نمی‌نماید بلکه خود میتواند به عاملی در جهت از بین رفتن صلح و تکرار تجربه‌ای تجربه شده در جامعه ملل باشد که به قول یک ضرب المثل معروف تجربه را تجربه کردن خطاست.

۲-۱. دیدگاه مخالفان حق وتو از رویکرد حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه

امتیاز حق وتو باعث انتقادهای شدیدی به سازمان ملل گردیده است. کشورهای کوچک از آغاز کنفرانس سانفرانسیسکو با داشتن چنین اختیاری برای کشورهای بزرگ مخالف بودند و آن را با روح منشور مغایر می‌دانستند و معتقد بودند که چه بسا این حق خود مانعی در جهت حفظ صلح و حقوق بشردوستانه باشد^۱ و باعث شود که کشورهای جهان سوم در بازی بین قدرت‌های بزرگ زیان‌های جبران‌ناپذیری را تحمل نمایند. یکی از مهم‌ترین آنها این بود که بعد از جنگ سرد هر کدام از کشورهای جهان به یکی از بلوک متمایل شد تا در صورت بروز بحران و مطرح شدن تخلفات آنها در شورای امنیت از حق وتوی حامی خود در منشور

بهره‌مند گردد و این امر خود بار و فشار زیادی را به کشورهای جهان سوم تحمیل می‌نماید، زیرا این حمایت‌ها هیچگاه بدون چشم‌داشت نبوده و نیست و همواره کشورهای جهان سوم مجبورند تا امتیازاتی را به کشورهای صاحب این حق پرداخت نمایند تا بتوانند از حمایت آنها بهره‌مند شوند، هرچند به این امر می‌توان از دیدگاه مثبت هم نگریست و بیان کرد چه بسا خود این حق باعث شده از فشارها و تحریم‌های احتمالی که ممکن بوده به صورت ناعادلانه از ناحیه یکی از ابرقدرت‌ها بر علیه یک کشور اعمال شود توسط وتوی یکی دیگر از اعضای دائم جلوگیری به عمل آید که کشور ما نیز از این مورد بی‌نصیب نبوده است.^{۱۱} اما در کنار این دیدگاه، وجه منفی آن نیز به طور آشکاری خود نمایی می‌کند، زیرا چه بسا کشورهایی که با دادن امتیازاتی به یک یا چند تن از اعضای دائم از حق وتوی آنها در جهت پیشبرد اهداف غیر بشردوستانه و غیر صلح آمیز خود استفاده نمایند و با استفاده از آن مانع از واکنش نهادهای بین‌المللی نسبت به خود شوند که نمونه‌های آن بی‌شمارند. به نمونه یک شاخص، می‌توان به اقدامات غیر انسانی اسرائیل در فلسطین اشاره کرد که دولت امریکا با وتوی خود همواره مانع از تصویب هر گونه قطعنامه‌ای علیه این کشور در شورای امنیت شده و این امر همواره از مواردی بوده که بیشترین اعتراضات کشورهای مسلمان را به خود اختصاص داده اما هرگز نتیجه‌ای نداشته است. کما اینکه، اعتراض ایالات متحده امریکا و هم‌پیمانانش نیز به وتوهای کشورهای چین و روسیه بر علیه دولت اسد آنها را نیز ناکام گذاشت و این امر حاکی از این است که این امتیاز خود نیز گاهی موجبات ناکامی صاحبان آن را فراهم می‌آورد. بعد دیگری که از بابت هزینه‌ای که کشورهای جهان سوم و گاهی توسعه‌افته به اعضای دائم شورای امنیت از بابت جلب حمایت آنها می‌پردازند می‌توان مطرح نمود و خود این مسأله چه بسا بارها باعث بروز مشکلاتی در عرصه بین‌الملل شده است فشاری است که برخی از این اعضای دائم به هم پیمانانشان در جهت کسب منافع آنها می‌آورند و گاهی شاهد آن می‌شویم که دو کشوری که هیچگونه مشکلی چه از نظر سیاسی و چه غیر سیاسی با هم ندارند روابط و مناسباتشان تنها به خاطر فشارهای وارده از ناحیه یکی از این ابرقدرت‌ها بر آن کشور مخاطره آمیز می‌گردد به حدی که گاهی منجر به تعطیلی سفارت خانه‌ها و اخراج دیپلمات‌های طرف مقابل می‌گردد. این مسئله هرگز نمی‌تواند برای آن کشور بدون تبعات باشد و حتی ممکن است پیامدهای بسیار جبران ناپذیری را، چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی، بر آن کشور تحمیل نماید. به نمونه بارز آن، می‌توان به دخالت‌های ترکیه در مورد سوریه اشاره کرد که

همه به خواسته مستقیم و غیر مستقیم اروپا و امریکا برمی‌گردد و همانطور که شاهدیم امروز ترکیه از پیامدهای این دخالت مصون نیست. جدای از آتش خشم و کینه افروزی که امروز از ناحیه سوریه او را تهدید می‌کند، باعث جلب واکنش چین و روسیه نسبت به خود نیز شده که معمولاً نمی‌تواند بی‌نتیجه باشد و درگیری‌های اخیر ترکیه را اگر کاملاً با این مسئله مرتبط ندانیم نمی‌توانیم کاملاً هم بی‌ربط بدانیم و آنچه مسلم است این است که امروز ترکیه عوارض جلب حمایت‌هایی را تحمل می‌کند که شاید اگر مجبور به جلبشان نبود امروز قطعاً از شرایط آرام‌تری برخوردار بود. به ویژه که ترکیه برای جلب حمایت اروپا نسبت به قبول عضویتش در اتحادیه اروپا نیازمند استانداردهایی است که هرگونه آشفتگی داخلی می‌تواند یک نمره منفی برای وی محسوب شود. جدای از این مطلبکه سوریه و ترکیه تا قبل از این وقایع، روابط مخاطره‌آمیزی با هم نداشتند و دو کشور دوست و همسایه بودند. باید خاطر نشان کرد که ترکیه یک نمونه کوچک است و دنیا هر روز شاهد موارد بسیاری از این قبیل است. کشورهای که به خاطر حفظ حمایت کشورهای ثالث مجبورند هزینه‌هایی را بپردازند که نه تنها وضعیت صلح جهانی را به خطر می‌اندازد، بلکه گاهی آنقدر سنگین است که منجر به شرایط بد اقتصادی و به خطر افتادن منافع مهم سیاسی و امنیتی آن کشور می‌شود. از این مسئله و مشکل ناشی از وجود امتیاز و تو در صحنه بین‌الملل که خارج شویم مسئله دیگری که توجه بسیاری از منتقدین را به خود جلب نموده و البته نظر طرفداران حق و تو نیز نسبت به آن در قسمت پیشین مورد نظر قرار گرفت این مسئله است که حق و تو مخالف اصل تساوی حاکمیت اعضا است^{۱۲} که در بند یک ماده ۲ منشور پیش بینی شده و تناقضی آشکار با منشور محسوب می‌گردد و از کارایی شورای امنیت می‌کاهد. به عنوان مثال، می‌شود به جریان مجارستان در سال ۱۹۵۶ و واقعه کانال سوئز و مسأله افغانستان در ۱۹۷۹ و مسئله گرانادا در ۱۹۸۳ اشاره کرد که در هر یک از این تنش‌های بین‌المللی باعث شد که تجاوز به حاکمیت کشورها شود و شورای امنیت با وتوی هریک از قدرتهای ذی‌نفع در عمل کارایی خود را از دست داد.

از دیگر دلایلی که مخالفان حق و تو در مخالفت با این امتیاز بیان می‌کنند این امر است که با پذیرفتن حق و تو هرگونه اقدام از طریق شورای امنیت علیه اعضای دائم غیرممکن می‌شود و چنانچه یکی از اعضای دائم شورا نقض صلح و یا اقدام تجاوزکارانه‌ای کند، عضو مزبور با استفاده از حق و تو مانع از هرگونه تصمیم‌گیری شورا علیه آن کشور می‌شود. نمونه بارز آن قضیه مجارستان در سال ۱۹۵۶ است که دولت شوروی با مداخله در این کشور و

سرنگون کردن دولت ایمره ناگی حاکمیت این کشور را آشکارا نقض نمود. به دنبال این قضیه، کمیته ویژه‌ای در سازمان ملل تشکیل شد ولی اجازه نیافت که به مجارستان برود. شورا در صدد صدور قطعنامه‌ای علیه شوروی بود که با وتوی آن کشور از هر گونه اقدامی بازماند. در مسئله تجاوز شوروی به افغانستان هم شورای امنیت طرح قطعنامه‌ای را مورد بررسی قرار داد که در آن دخالت شوروی محکوم شده بود که این قطعنامه نیز توسط شوروی وتو شد و شورا از هر گونه اقدامی بر علیه این کشور ناکام ماند. همچنین، در مورد تجاوز نظامی امریکا به گرانادا در سال ۱۹۸۳ شورای امنیت در محکومیت امریکا قطعنامه‌ای تنظیم کرد که این قطعنامه نیز همچون موارد شوروی سابق، با وتوی این کشور مواجه و از دستور کار شورا خارج گردید.^{۱۳}

یکی دیگر از دلایل مخالفان حق وتو این است که با توجه به نقش شورای امنیت در مبارزه با جرایم بین‌المللی و وجود ارتباط میان تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز با جرائم مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت و دیوان در این موارد با هم مرتبط هستند.^{۱۴} این نگرانی در مورد اختیار شورای امنیت نسبت به تعلیق رسیدگی در دیوان نیز مطرح شده است، زیرا طبق ماده ۱۶ اساسنامه دیوان، شورای امنیت حق تعلیق شروع و یا ادامه یک تحقیق و تعقیب را در دیوان داراست. این ماده، حاصل بحث‌های شدیدی در کمیته مقدماتی تأسیس دیوان و کنفرانس‌های دیپلماتیک رم است، زیرا وجود چنین حقی برای شورای امنیت از طرف اغلب دولت‌ها با مخالفت رو به رو شد و استدلال شد اگرچه شورای امنیت به موجب منشور مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد، ولی صلح و امنیت بین‌المللی ضرورتاً مترادف با عدالت و انصاف نیست و چه بسا تحقق قسط و عدل منوط به مجازات افرادی باشد که از امتیاز وتو برخوردار هستند، به این سبب که واژه و نگرانی ناشی از استفاده از امتیاز وتو توسط صاحبان آن، اعلامیه‌ها و درخواست‌های متعددی را مطرح کرد که تأکید داشتند روند رسیدگی و تحقیق در دیوان نباید در اثر دخالت شورای امنیت متوقف گردد و ادعا شد که حیطة صلح از حیطة عدل متفاوت است.^{۱۵} ضمن اینکه عدم توافق اعضای دائم شورای امنیت برای آنکه شورا بتواند رسیدگی به قضیه‌ای را در دیوان معلق کند ابتدا باید رسیدگی در دیوان را تهدید علیه صلح تلقی و سپس برای رفع تهدید علیه صلح درخواست تعلیق از دیوان نماید و اتخاذ تصمیم در این موارد مستلزم تصمیم‌گیری در شورای امنیت می‌باشد و حق وتو به عنوان مانعی در شورای امنیت در ایجاد این تفاهم نقش دارد.^{۱۶}

۳-۱. نگاهی به مفاهیم صلح و حقوق بشردوستانه

غیر از حق و تو که توضیح آن کاملاً بیان شد، دو مفهوم دیگری که در این مقاله با آنها درگیریم مفاهیم صلح و حقوق بشردوستانه‌اند. در مورد مفهوم صلح باید گفت صلح از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه از بیشتر از هر ارزش دیگری در معرض تهدید و مخاطره بوده است، همواره تلاش انسان‌ها چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی و راه‌حل‌های مقطعی نمایانگر، رسیدن به صلح بوده است. در واقع، اولین و مهم‌ترین هدف در روابط بین‌المللی حفظ و برقراری صلح بوده است. در حال حاضر، علیرغم اینکه جنگی بین کشورها وجود ندارد، ولی ممکن است روابط صلح‌آمیزی هم بینکشوها وجود نداشته باشد و این به معنای این است که معنای صلح در روابط بین‌الملل دچار تغییر و تحول شده است. واژه صلح به تنهایی در معنای لغوی به معنای آشتی، دوستی و سازش و... به کار می‌رود. از نظر روابط بین‌الملل، مقصود از صلح، احتراز از اختلاف و برخورد شدید با سایر کشورها است. به سخن دیگر، صلح ثبات نسبی نظامی و فقدان اختلاف و بی‌نظمی در سیستم امنیت بین‌الملل است. از نظر حقوق بین‌الملل، صلح با یک سند تعهدآور ملتزم‌کننده کشورها و رعایت یک سلسله ترتیبات در روابط بین‌الملل حاصل می‌شود.^{۱۷}

در مورد مفهوم حقوق بشردوستانه باید گفت که این عنوان که حقوق جنگ هم نامیده می‌شود، یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است و در بردارنده دو مفهوم اصلی است: نخست اینکه، در هنگام درگرفتن درگیری مسلحانه، حق دولت‌ها در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی نامحدود نیست و آنها فقط می‌توانند از آن دسته روش‌ها و سلاح‌های جنگی استفاده کنند که رنج زاید و غیر انسانی ایجاد نکنند؛ دوم اینکه، از حیات، سلامت و کرامت انسان‌هایی که در درگیری مشارکت نکرده‌اند یا به مشارکت خود در درگیری پایان داده‌اند (شامل غیرنظامیان، اسیرانجنگی، مجروحان و بیماران) حمایت کنند.^{۱۸}

۲. بررسی اجمالی موارد استفاده از حق و تو در سال‌های اخیر از دیدگاه حفظ صلح و حقوق بشردوستانه

با توجه به آنچه از نظریات موافقان و مخالفان امتیاز و تو گفتیم، لازم است تا برای تکمیل مبحث و برای اینکه بتوان بهتر با نقش حق و تو در حفظ صلح و حقوق بشردوستانه آشنا شد به طور مختصری با موارد استفاده این حق در صحنه بین‌المللی به ویژه آخرین موارد استفاده از

آن در پانزده سال گذشته توسط صاحبان این امتیاز آشنا شویم تا بهتر بتوانیم در مورد نقش این امتیاز در حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه قضاوت نماییم.

از زمان آغاز به کار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تا سال ۲۰۱۳ در مجموع در حدود ۲۷۰ مورد، اعضای دائم شورای امنیت از حق وتو در موارد مختلف استفاده کرده‌اند که شوروی و بعداً روسیه با ۱۲۴ مورد در رأس و سپس آمریکا با ۸۲ مورد،^{۱۹} انگلیس با ۳۲ مورد، فرانسه با ۱۸ مورد و چین با ۷ مورد در مراتب بعدی قرار دارند. بیشتر موارد استفاده از حق وتو در دوران جنگ سرد و رویارویی ابرقدرت‌های آمریکا و شوروی بود که شوروی سابق به دلیل مخالفت با سیاست‌های نظام سرمایه‌داری غربی اقدام به وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت می‌کرد، به طوری که آندره گرومیکو،^{۲۰} وزیر امور خارجه شوروی در سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۵ به آقای نه معروف شده بود. البته، پس از فروپاشی شوروی، میزان استفاده روسیه از حق وتو در شورای امنیت به شدت کاهش یافته است. آخرین مورد آن به بحران در سوریه برمی‌گردد. در این باره، دولت‌های غربی و در رأس آن ایالات متحده، تلاش‌های وافری را جهت حمایت از معترضین از خود نشان دادند و با اقداماتی همچون فراخوانی سفرا، اعمال تحریم‌های نفتی و اقتصادی بر حکومت دمشق، تصویب قطعنامه‌های پی‌درپی در مجامع بین‌المللی نظیر اتحادیه عرب و... تا حمایت مالی و نظامی از معترضین در کنار مقامات غربی و هم‌پیمانان عرب خود، در صدد اعمال فشار بر رژیم اسد بودند و تلاش نمودند تا در آخرین گام با تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت، فضا را برای مداخله هرچه بیشتر در سوریه جهت سرنگونی اسد مهیا نمایند که با وتوی روسیه و چین مواجه شدند. صرف نظر از ماهیت تحولات سوریه، پس از وتوی طرح یاد شده، مقامات غربی، به ویژه آمریکایی‌ها به انتقادهای شدیدی از دو کشور روسیه و چین پرداختند و آنها را نسبت به آنچه در سوریه می‌گذرد سهیم دانستند. این در حالی است که کارنامه دولت ایالات متحده و برخی هم‌پیمانان آن سرشار از حمایت از حکومت‌های دیکتاتور و سرکوبگر است و در مورد آمریکا به عنوان دومین کشوری که بیشترین تعداد استفاده از امتیاز وتو را در کارنامه خود دارد باید گفت که بیشترین موارد استفاده از امتیاز وتو از سوی آمریکا مربوط به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه اسرائیل است.^{۲۱} آمریکا در دفاع از اسرائیل و بی‌توجه به انتقادات جهانی علیه سیاست‌های این رژیم تا سال ۲۰۱۳، در مجموع ۳۸ مورد از قطعنامه‌های شورای امنیت علیه اسرائیل را وتو کرده است. از دهه ۱۹۹۰ و با پایان یافتن جنگ سرد میزان استفاده کشورهای عضو دائم شورای امنیت از حق وتو نسبت به قبل از

آن به شدت کاهش یافته است. در مورد امریکا مربوط می‌شود به موردی که کشورهای عربی قطعنامه‌ای را به شورای امنیت سازمان ملل آورده بودند که شهرک‌سازی‌های اسرائیل در مناطق فلسطینی‌نشین را محکوم می‌کرد. امریکا این قطعنامه را وتو کرد. این اقدام با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شده‌است. با وجود ۱۴ رأی موافق به قطعنامه‌ای علیه اسرائیل در شورای امنیت سازمان ملل، امریکا با وتوی این قطعنامه آن را از دستور کار شورا خارج کرد. این قطعنامه، شهرک‌سازی‌های اسرائیل در مناطق فلسطینی‌نشین را محکوم می‌کرد. واشنگتن در عین حال اعلام کرده که این اقدام نباید در اسرائیل به پشتیبانی امریکا از ادامه شهرک‌سازی‌ها تعبیر شود. این نخستین بار بود که دولت دموکراتیک اوباما از حق وتوی خود در شورای امنیت سازمان ملل استفاده می‌نمود. دولت‌های پیشین امریکا همواره از این حق برای رد قطعنامه‌ها علیه اسرائیل استفاده کرده‌اند. شایان ذکر است که بیش از نیمی از وتوهای صورت گرفته در سازمان ملل را امریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی انجام داده است. از آغاز تجاوزات اسرائیل به سرزمین فلسطین تا به امروز، هرگاه که سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و شورای امنیت در صدد تصویب قطعنامه‌ای علیه اسرائیل برآمده‌اند، از سوی امریکا «وتو» شده و به حاشیه رانده شده است. آنچه تا اینجای مطلب پر واضح است، هر دو وتوی اخیر توسط دو عضوی که بیشترین استفاده از وتو را داشته‌اند، نشان می‌دهد که، در مورد امریکا، نه تنها کمکی به حفظ صلح بین‌المللی نشده است بلکه مخرب صلح و مخالف حقوق بشر دوستانه نیز عمل شده و در مورد سوریه نیز هرچند از درگیری نظامی ممانعت به عمل آمده اما به خودی خود نتوانسته از بحران‌های مخاطره‌آمیز سوریه بکاهد.

با توجه به آخرین وتوهای استفاده شده توسط دو عضو دائمی که بیشترین استفاده از امتیاز وتو را داشته‌اند، در ادامه، به بررسی موارد اخیر در پانزده سال اخیر می‌پردازیم، زیرا بررسی تک تک موارد از حوصله بحث خارج است.

انگلستان و فرانسه در طی سال‌های اخیر از این امتیاز خود استفاده ننموده‌اند. البته، در مورد انگلستان یک دلیل آن هم‌سویی منافع وی با امریکا، به ویژه در مورد رژیم صهیونیستی بوده است که با وجود وتوی امریکا انگلیس نیازی به استفاده از این امتیاز در خود ندیده است. تنها موردی که در مورد فرانسه قابل ذکر است، باید به نشست شماره ۴۰۷۷ شورا در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۹۹ اشاره کرد که به پیشنهاد امریکا و انگلیس، متن قطعنامه ۱۲۸۰ در مورد عراق به رأی گذاشته شده بود، فرانسه هنگام رأی‌گیری جلسه را ترک کرد و این قطعنامه با ۱۱ رأی

موافق و سه رأی ممتنع روسیه، چین و مالزی به تصویب رسید. فرانسه در بیان علت مخالفت خود با این قطعنامه گفت: «در این متن، درخواست تمدید مدت ۷ روزه برنامه نشت در مقابل غدا» به عمل آمده است که براساس قطعنامه ۹۸۶ شورای امنیت اجرایی شده است و از آنجا که عملاً در این مدت ۷ روز هیچ کاری نمی‌توان انجام داد، چرا شورای امنیت باید چنین قطعنامه‌ای را صادر کند که می‌داند در مقام عمل بی‌اثر است». در مورد امریکا باید گفت که این کشور در این مدت در مجموع ۱۲ بار از حق وتو استفاده کرده است که ۱۱ مورد آن به دفاع از منافع اسرائیل و یک مورد هم در مورد بوسنی هرزگوین بوده است که همان‌طور که در ابتدای مبحث نیز شرح داده شد، در تمامی موارد مرتبط با اسرائیل با وتوی خود عملاً حقوق بشردوستانه را زیر پا نهاده و نتوانسته کمکی در جهت حفظ صلح نماید. در مورد بوسنی نیز در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۲، در نشست شماره ۴۵۶۳ شورای امنیت به ریاست سوریه، قطعنامه پیشنهادی از سوی روسیه، انگلیس، آلمان، ایتالیا، فرانسه، نروژ، ایرلند و بلغارستان که بر اساس گزارش دبیرکل سازمان ملل در خصوص وضعیت بوسنی و هرزگوین تهیه شده و درخواست شده بود تا به جرایم نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی رسیدگی شود، مورد رسیدگی قرار گرفت که با ۱۳ رأی موافق، رأی ممتنع بلغارستان و رأی منفی امریکا مواجه شد. سفیر امریکا در بیان مخالفت گفت: «امریکا نمی‌تواند بپذیرد که نیروهایش در دادگاهی که از سوی ما به رسمیت شناخته نشده است، محاکمه شوند» و در مورد قطعنامه بوسنی نیز حق وتو امریکا مانع رعایت حقوق بشردوستانه شده است. روسیه نیز به در طی این سال‌ها سه بار از امتیاز خود استفاده نموده که دو بار آن به اتفاق چین بوده است:

مورد اول: در تاریخ ۲۱ آوریل سال ۲۰۰۴، شورای امنیت سازمان ملل در نشست شماره ۴۹۴۷ خود به ریاست آلمان، رسیدگی به قطعنامه پیشنهادی امریکا و انگلیس که مورد درخواست دبیرکل سازمان ملل نیز بود را در دستورکار خود قرارداد که با ۱۴ رأی موافق و رأی منفی روسیه مواجه شد. در این قطعنامه، از ایجاد جمهوری قبرس حمایت به عمل می‌آمد و برگزاری انتخابات همزمان در ۲۴ آوریل در مناطق یونانی و ترک نشین قبرس به عنوان شرط پیوستن این جمهوری به اتحادیه اروپا در اول ماه مه ذکر شده بود. همچنین، ذیل فصل هفتم منشور، هر نوع معامله تسلیحاتی با قبرس برای ریشه کنی تهدید ممنوع اعلام شده بود و درخواست شده بود تا مأموریت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل^{۲۲} خاتمه یافته و نیروهای

اجرای سازمان ملل برای حل و فصل اختلافات^{۲۳} جایگزین آن شونند. روسیه در بیان علت مخالفت خود گفت: «به رأی گذاشتن این قطعنامه تنها سه روز قبل از برگزاری رفراندوم در دو بخش یونانی و ترک‌نشی نقبرس که باید بدون دخالت و فشار خارجی صورت پذیرد، زمان مناسبی نیست و روسیه هم از نظر فنی و هم از لحاظ زمانی با تصویب قطعنامه مخالف است».

مورد دوم: در تاریخ ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۷، شورای امنیت سازمان ملل در نشست شماره ۵۶۱۹ خود وضعیت میانمار را مورد رسیدگی قرار داد. در این نشست که به ریاست روسیه برگزار شد، قطعنامه پیشنهادی امریکا و انگلیس به رأی گذاشته شد. این قطعنامه، خواهان جلوگیری از اقدام نظامی دولت میانمار در سرکوب حقوق اقلیت‌ها، تجاوز جنسی نیروهای نظامی دولت به اقلیت‌ها، اعطای اجازه به سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی برای اجرای عملیات در داخل میانمار، درخواست از دولت برای انجام گفت‌وگوهای سیاسی با نمایندگان جریانات سیاسی، اعطای آزادی بیان، آزادی اجتماعات، لغو محدودیت‌های اعمال‌شده و آزادی زندانیان سیاسی شده بود. این قطعنامه با ۹ رأی موافق، سه رأی ممتنع و سه رأی منفی چین، روسیه و آفریقای جنوبی مواجه شد روسیه نیز در بیان علت مخالفت گفت: «ما مخالف طرح مسئله میانمار در شورای امنیت هستیم، در عین آنکه به مسائلی که در آنجا می‌گذرد بی‌توجه نیز نیستیم. به بیان صریح همسایگان میانمار، وضعیت آنجا تهدیدی برای صلح بین‌المللی و یا منطقه‌ای نیست.» آنچه در مورد میانمار قابل ذکر است این مسئله است که فاجعه در میانمار در سال ۲۰۱۳ به حدی بود که بسیاری از مسلمانان زنده‌زنده توسط گروه‌های قومیت‌گرا سوزانده شدند و قواعد بشردوستانه و حقوق بشر کاملاً زیر پا گذاشته شد و تسوی چین و روسیه عاملی در جهت گسترش این فجایع شد. مورد سوم نیز در مورد سوریه است که شرح آن در آغاز مطلب بیان شد.

و اما چین که در این مدت سه بار از حق وتو استفاده نموده که دو بار آن به همراه روسیه بوده است.

مورد اول: در تاریخ ۱۰ ژانویه سال ۱۹۹۷، شورای امنیت سازمان ملل، نشست شماره ۳۷۳۰ خود را به ریاست ژاپن در مورد گواتمالا برگزار کرد. در این نشست، قطعنامه پیشنهادی امریکا، انگلیس و به درخواست دولت گواتمالا برای ورود ناظران بین‌المللی سازمان ملل به این کشور جهت نظارت بر مذاکرات و توافقات دولت با انقلابی‌ون به رأی گذاشته شد. این قطعنامه، با ۱۴ رأی موافق و یک رأی منفی چین روبه‌رو شد. نماینده چین علت مخالفت خود

را همکاری و ارتباطات دولت گواتمالا با تایوان اعلام کرد که به حاکمیت و تمامیت ارضی چین خدشه وارد می‌آورد و ضربه به منافع چین می‌باشد. وتوی چین نشان داد که چگونه انسان‌های بی‌گناه زیادی قربانی منافع و قدرت‌طلبی‌های چین شدند.

مورد دوم: در تاریخ ۲۵ ژانویه سال ۱۹۹۹، شورای امنیت سازمان ملل، نشست شماره ۳۹۸۲ خود را به ریاست کانادا در مورد جمهوری مقدونیه برگزار کرد. در این نشست، قطعنامه پیشنهادی امریکا و انگلیس به درخواست دولت مقدونیه برای استقرار نیروهای پیشگیر سازمان ملل برای مدت ۶ ماه از تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۹۹ به رأی گذاشته شد. این قطعنامه نیز با ۱۳ رأی موافق، رأی ممتنع روسیه و رأی منفی چین روبه‌رو شد. رأی منفی چین از سوی نماینده این کشور اینگونه توصیف شد: «وضعیت امنیتی در این جمهوری یوگسلاوی سابق خوب است و با توجه به محدودیت‌های بودجه‌های سازمان ملل، بهتر است این سرمایه سازمان در جای مناسب‌تری مانند آفریقا مصرف شود و آن منطقه به وجود این نیروها بیشتر نیاز دارد. چهار ماه بعد، یک موشک سرگردان امریکابه سفارت چین در بلگراد اصابت کرد.^{۲۴}

مورد سوم میانمار بود که توضیحاتش در بخش روسیه داده شد. چین در بیان علت مخالفت خود گفت: «به رأی گذاشتن این قطعنامه مغایر روند مشورت‌های سازنده جاری است. تصویب قطعنامه باید آخرین گام باشد و هنوز به آن مرحله نرسیده ایم. پیشنهادهای زیادی برای بهبود وضعیت داده شده، دبیرکل سازمان ملل که به تازگی کارش را آغاز کرده نیاز به فرصت بیشتر برای به نتیجه رسیدن تلاش‌هایش دارد. مسائل میانمار تهدید بین‌المللی و یا منطقه‌ای برای صلح و امنیت به شمار نمی‌رود و ما به عنوان همسایه بلافاصل میانمار بیش از دیگران بر شرایط میانمار واقف هستیم». این اظهارات چین در حالی است که عمق فاجعه در میانمار را می‌توان زنوساید نامید.^{۲۵}

مورد چهارم مورد سوریه بود که شرح داده شد.

همانگونه که در موارد شرح داده شده بیان شد، متأسفانه در بیشتر موارد، حق وتو برای مواردی نظیر تسویه حساب‌های بین دو دولت و منافع شخصی آنها بوده^{۲۶} و در مورد برخی موارد نظیر قضایای میانمار، فلسطین و اسرائیل که هنوز خاتمه نیافته‌اند و نقض حقوق بنیادین بشر و حقوق بشردوستانه به طرز آشکاری در آنها ادامه دارد، تصمیم مناسبی در جهت برقراری صلح در آنها گرفته نشده و وتوی اعضای دائم خود مانعی بر سر راه تحقق صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه در این موارد بوده است، ولی نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که

اگر این امتیاز نبود، احتمال خطرات عظیم‌تر برای صلح و امنیت و زیر پا گذاشتن حقوق بشردوستانه وجود داشت، زیرا سازمان ملل و حقوق بین‌الملل که حقوق حاکم بر آن است هنوز به آن مرحله از کمال خود نرسیده است تا بتواند حقوق تمام ملت‌ها را کامل و بی‌نقص پوشش دهد، اما این امر، سازمان ملل متحد و به ویژه مسأله حق وتو را که بحث اصلی ماست از نیاز به ایجاد اصلاحاتی در آن بی‌نیاز نمی‌کند.

۳. بررسی محدودیت‌ها و لزوم اعمال اصلاحاتی در مورد حق وتو در جهت حفظ صلح و پیشبرد سازنده‌تر حقوق بشردوستانه

لزوم ایجاد اصلاحاتی در زمینه حق وتو و ایجاد محدودیت‌هایی در مورد آن از جمله مباحثی بوده که همواره در سطح جامعه بین‌المللی مورد بحث بوده و نظرات بسیاری پیرامون آن مطرح بوده است. اصلاح ساختار شورای امنیت را می‌توان مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین بخش اصلاحات در سازمان ملل دانست، زیرا سازمان ملل در زمان جنگ جهانی دوم و بر اساس شرایط آن زمان به وجود آمده و پایه‌ریزی شده است، اما اینک پاسخ‌گوی نیازمندی‌های دنیای معاصر که در اثر تحولات مختلف به کلی دگرگون شده، نیست. از این رو، نیاز به تجدید نظر در ساختار دارد و در این میان یکی از مهم‌ترین ارکان سازمان یعنی شورای امنیت نیز نیازمند اصلاحاتی برای حفظ صلح و امنیت است.^{۲۷} از این روست که اصلاح آن نیز آثار مهمی بر کشورهای مختلف، به خصوص قدرت‌های بزرگ برجا خواهد گذارد. شورای امنیت در زمان شکل‌گیری خود ساختار واقعی قدرت جهانی را منعکس کرد و بر اساس آن عمل کرد^{۲۸} و این جز این نبود که در توزیع جهانی قدرت تنها بازیگرانی عهده‌دار نقش اصلی بودند که در آن زمان بالاترین توان نظامی، سیاسی و اقتصادی را برای راهبری نظام جدید پس از جنگ جهانی دوم دارا بودند.^{۲۹} به همین دلیل، به رغم گذشت نزدیک به دو دهه، هنوز بحث اصلاح این سازمان به فرجام خود نرسیده است و این درحالی است که کشورهایی چون آلمان و ژاپن و هند در جهشی که در توسعه جهانی داشته‌اند داعیه عضویت دائم و حق وتو دارند ولی جامعه بین‌المللی معترض حق وتو است و یکی از آخرین این اعتراضات مربوط به سخنان وزیر امور خارجه عربستان سعودی در شصت و پنجمین دور نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک می‌باشد که خواستار ایجاد محدودیت‌هایی در استفاده از حق وتو برای اعضای دائم شورای امنیت و تعهد اعضای دائمی شورا مبنی بر عدم استفاده از این حق در موارد مربوط به اجرای قطعنامه‌های تصویب شده قبلی شورای امنیت می‌باشد.^{۳۰}

در واقع، تنها سه مرتبه در طول شصت و اندی سال گذشته در منشور ملل متحد اصلاح صورت گرفته و همه تنها با مسأله تعداد اعضاء در دو رکن از عرکن اصلی ملل متحد بوده است؛ یکبار برای شورای امنیت و دو بار برای شورای اقتصادی و اجتماعی. به طور کلی، از واژه/اصلاح بیشتر از اصطلاحاتی نظیر تغییرات در سیاست‌های سازمان ملل متحد استفاده شده است.^{۳۱} شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آن این باشد که خود مسئله حق و تو یکی از پیش شرط‌های تأسیس سازمان ملل متحد بوده است، ولی نباید نادیده انگاشت که استفاده از امتیاز و تو نسبت به دهه‌های نخست شکل‌گیری آن بسیار کاهش یافته است. در این بخش، تلاش می‌شود تا به راه حل‌های موجود در صحنه بین‌المللی در زمینه لزوم وجود محدودیت در زمینه حق و تو و اصلاح آن توجه نمود.

۱-۳. بررسی راه‌حل‌های موجود در صحنه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در زمینه حق و تو

این مبحث را دو مورد می‌توان مد نظر قرار داد؛ ابتدا از منظر قطعنامه اتحاد برای صلح مجمع عمومی و دوم از منظر مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل. هر دوی این موارد از محدودیت‌هایی هستند که به صورت غیرمستقیم می‌توانند مانعی در برابر استفاده ابزاری از حق و تو باشند؛ زمانی که صلح و امنیت بین‌المللی در خطر باشد و حقوق بشردوستانه نیز رعایت نگردد، می‌توان با دیدی امیدوارانه آنها را دریچه‌ای هر چند کوچک در جهت ایجاد محدودیت‌های بعدی در استفاده از امتیاز و تو دانست.

۱-۱-۳. قطعنامه اتحاد برای صلح

هرگاه شورای امنیت نتواند برای مقابله با نقض صلح یا تجاوز اقدام کند، مجمع عمومی طی یک جلسه فوق‌العاده فوری نسبت به اعزام نیروهای نیروهای نظامی به مناطق بحرانی تصمیم‌گیری می‌نماید. این قطعنامه، علی‌رغم مواضع شوری در ۳ نوامبر ۱۹۵۰ در مجمع عمومی به تصویب رسید و توانست نقش مجمع را به طور قابل ملاحظه‌ای در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی افزایش دهد. این قطعنامه، در زمان جنگ کره و هنگامی که نماینده شوری در اعتراض به تحریمی که سازمان ملل نسبت به پذیرش جمهوری خلق چین برقرار کرده بود و هنگامی که آن کشور در شورای امنیت حضور نداشت صادر شد. قطعنامه یاد شده به پیشنهاد وزیر امور خارجه امریکا، اکسون،^{۳۲} مطرح شده بود. امریکا به عنوان فرمانده نیروهای سازمان ملل متحد برای کمک به کره جنوبی در جنگ آن کشور علیه کره شمالی انتخاب

شد. شوروی برای جلوگیری از این اقدام به شورای امنیت بازگشت، ولی امریکا قطعنامه اتحاد برای صلح را در مجمع عمومی مطرح ساخت.^{۳۳} این قطعنامه گامی مهم در جهت مقابله با ناکارآمدی شورای امنیت در زمانی که به خاطر استفاده از حق وتو فلج شده است، به شمار می‌رود.

۲-۱-۳. مسئولیت حمایت؛ گامی دیگر در محدود نمودن حق وتو در جهت حفظ صلح و حقوق بشردوستانه

آقای بانکی مون، در ادامه فعالیت کوفی عنان، دبیرکل پیشین سازمان ملل در مورد مسئولیت حمایت، در گزارش ۳۰ ژانویه ۲۰۰۹ خود به صراحت به این مسأله توجه می‌کند. در این گزارش، دو نکته بسیار مهم در این ارتباط وجود داشت؛ یکی اینکه در این گزارش از دولت‌های عضو دائم شورای امنیت درخواست شده بود که در اینگونه موارد تا اندازه ممکن از حق وتوی خود استفاده نکنند. این با صراحت در این گزارش ذکر می‌شود و به همین دلیل است که از سوی کشورهای دارای حق وتو چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. مورد دیگری هم که در اینگ زارش مورد توجه قرار گرفته بود و در حال حاضر مطرح است قطعنامه اتحاد برای صلح است که شرح کامل آن در مبحث قبل داده شد.

پیشینه مسئولیت حمایت را در واقع باید در گزارش هزاره آقای کوفی عنان در سال ۲۰۰۰ به مجمع عمومی جست که در آن مفهومی جدید از حاکمیت ارائه شد. حاکمیت از معنای کنترل در مفهوم سنتی خود که مفهومی غیر قابل تعرض بود، به حاکمیت در معنای مسئولیت تغییر پیدا کرد. مسئولیتی که در در وهله اول بر عهده کشور مربوطه و در صورت ناتوانی و یا عدم علاقه آن کشور در حفظ و حقوق بنیادین اتباعش، در مرحله دوم، به جامعه بین‌المللی واگذار می‌شود. این مسئولیت در جهودم، طیفی از تعهدات را به دنبال خود دارد؛ مسئولیت به پیشگیری، واکنش و بازسازی. در نتیجه این گزارش، رویکرد جامعه بین‌المللی به مفهوم مداخله بشردوستانه نیز تغییر کرد. برخلاف مداخله بشردوستانه که صرفاً جنبه نظامی داشت، مسئولیت حمایت، اقدامات پیشگیرانه، سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، آموزشی و بازسازی را نیز به این اصطلاح افزوده و مداخله نظامی را تنها به عنوان آخرین ابزار در نظر گرفته است.

پس از این گزارش، آقای کوفی عنان در سال ۲۰۰۵ نیز در گزارشی به عنوان «آزادی بیشتر، به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه دولت‌ها»، به طور جدی‌تر به این مسأله

پرداخت. در سال ۲۰۰۵، در اجلاس مجمع عمومی در سه محور با این مسئولیت موافقت کردند؛ نخست، مسئولیت حمایت دولت‌ها در حمایت از اتباع خود در برابر ژنوسید، پاکسازی قومی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی. دوم، کمک‌های بین‌المللی در ظرفیت‌بخشی؛ یعنی کمک جامعه بین‌المللی به کشورها در اعمال این مسئولیت و سوم، پاسخ به موقع و قاطع جامعه بین‌المللی در مواردی که دولت مربوطه ناتوان از پاسخ‌گویی به این وضعیت‌هاست. بعد از تصویب سند ۲۰۰۵، دبیرکل ملل متحد مسئول تهیه گزارشی ذیل عنوان مسئولیت حمایت می‌شود. این گزارش، در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۰۹ به اطلاع عموم می‌رسد و در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۹، مجمع عمومی سازمان ملل این گزارش را به اتفاق آراء به تصویب می‌رساند. به عبارت دیگر، یک مبنای حقوقی برای شورای امنیت ایجاد شد تا ارتباطی بین نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و عدم توانایی یا عدم اراده دولت مربوطه برای مقابله با موارد نقض ایجاد شود و در نهایت، توسل به فصل هفت منشور بر اساس گزارش دبیرکل و مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل انجام گیرد.^{۳۴} موارد یاد شده در حال حاضر تنها محدودیت‌هایی هستند که از بکارگیری غیرمنطقی حق وتو در برابر حفظ صلح و حقوق بشر دوستانه ممانعت به عمل می‌آورند و نباید از کنارشان بی‌تفاوت گذشت، زیرا این امید را برای آینده تقویت می‌کنند که بتوان محدودیت‌های دیگری نیز افزود و کمی دایره استفاده از امتیاز وتو را تنگ‌تر کرد.

۳-۱-۳. نگاهی به موانع موجود بر سر راه ایجاد اصلاحات در شورای امنیت با تأکید بر حق وتو

برای اینکه بتوانیم بهتر با موانع اصلاح و یا حذف حق وتو که تأثیر غیرقابل چشم‌پوشی بر حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشر دوستانه در جهان دارد آشنا شویم به چند مورد از دلایل اصلاح این شورا اشاره می‌کنیم؛ نخست اینکه، شورای امنیت برخلاف سال‌های اولیه، بسیار کمتر از آرای کمیته کارشناسان حقوقی استفاده می‌نماید و نظام حقوقی را رها کرده و اقداماتی را اتخاذ کرده که به موجب منشور صلاحیت آن را نداشته و فاقد شفافیت لازم بوده است.^{۳۵} ابتدا باید این موانع را بشناسیم. موانعی که یک سوی آن، با توجه به آنچه از حق وتو گفتیم، دوباره به خود این امتیاز برمی‌گردد. از آنجایی که هدف این مقاله، نقش حق وتو در حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشر دوستانه است، اجمالاً به بیان این موارد می‌پردازیم. یکی از این موارد، قدرت گسترده ایالات متحده آمریکا نسبت به سایر اعضای دائم شورا است و در واقع، آمریکا یگانه قدرت جهانی می‌باشد^{۳۶} هرچند که حفظ این جایگاه در سال‌های آتی کمی در

سایه تردید قرار گرفته است، اما در حال حاضر کشوری است که نیروی دریایی آن قادر است کل دریاها را پوشش دهد^{۳۷} و در بعد تحقیق و توسعه تقریباً ۸۰ درصد بودجه تحقیقاتی جهان را به خود اختصاص داده است^{۳۸} و از نظر نفوذ فرهنگی و گستردگی برنامه‌های تلوزیونی هیچ کشوری را یارای مقاومت در مقابلش نیست^{۳۹} و با توجه به این، موارد عملاً موفقیت و ناکامی و یا اصلاح شورا به اقدامات و تصمیمات این کشور بستگی دارد.^{۴۰} نباید فراموش کرد که پیشنهاددهنده حق و تو ایالات متحده امریکا بود. مسأله یا مانع بعدی مربوط به مسئله عضویت است که چه دولت‌هایی باید به عضویت شورا در آیند و در واقع، یکی از مشکلات بر سر راه اصلاح شورا و مسأله و تو از همین جا آغاز می‌شود که مشکل رسیدن به توافق بر روی اعضای جدید است و این توافق بسیار دشوار است. ضمن آنکه به غیر از ادعای کشورهای آلمان، هند و ژاپن، در بیانیه اجلاس سران کشورهای اسلامی که در تهران برگزار شد در ماده ۲۲ بر این امر اشاره شد که از دبیر کل بخواهیم که روند اصلاح شورای امنیت به نحوی پیگیری گردد که بر لزوم استیفای نقش و جایگاه مؤثر و عادلانه‌تر مجموعه اعضای سازمان کنفرانس اسلامی در ارکان سازمان ملل از جمله شورا تأکید شود^{۴۱} که به صورت غیر مستقیم به یک حق و تو برای کشورهای اسلامی اشاره می‌کند. در عملی نمودن این ایده نظر اعضای دائم بسیار مهم است و در عمل جلب نظر همه اعضاء بدون اختلاف رای وجود ندارد و در آخر، خود حق و تو مانع بزرگی بر سر راه اصلاح شورا و ایجاد محدودیت برای این امتیاز است.^{۴۲}

فرجام

با توجه به آنچه در باره حق و تو در ارتباط با حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه و نظرات موافقان و مخالفان گفته شد، آنچه به ذهن متبادر می‌گردد این است که با توجه به نقش مهمی که شورای امنیت به عنوان مهم‌ترین رکن سازمان ملل در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و به تبع آن پیشبرد حقوق جنگ یا همان حقوق بشردوستانه دارد کمترین انتظاری که می‌توان از امتیاز و تو به عنوان اصلی‌ترین ابزار اعضای دائم شورای امنیت داشت این است که حداقل خود مانعی در جهت حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشردوستانه نباشند. ولی نگاهی به عملکرد گذشته شورا، عکس این مطلب را نشان می‌دهد، هر چند با نگاهی به نظرات موافقان، آنچه به دست می‌آید این است که وجود این امتیاز از این دیدگاه به مراتب عوایدش بیشتر از نبود آن است. مهم‌ترین فایده آن ممانعت از جنگ و درگیری بین قدرت‌های بزرگ است، زیرا

نمی‌توان نقش این قدرت‌ها را در حفظ صلح جهانی نادیده انگاشت. هرگونه جنگ و برخورد احتمالی میان آنها می‌تواند تمام رشته‌های سازمان ملل را پنبه کند و وضعیت جهان را متزلزل نماید. در حقیقت، حق و تو بسان همان پل لغزان باریک میان حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل است و میان این دو دانش قرار گرفته تا به طور مصنوعی رابطی باشد بین حقوق و سیاست.^{۴۳} واقعیت این است که نبود آن باعث یکه‌تازی قدرت می‌گردد و باعث می‌شود حقوق بین‌الملل یکسره فرو بریزد. از سوی دیگر، با نگاهی به نظریات مخالفان، همه دلایل منطقی در جهت مذموم و تبعیض‌آمیز بودن این امتیاز است و اینکه این امتیاز تا چه حد توانسته در مواقع بحرانی شورای امنیت را در عمل در اجرای وظایفش فلج کند. با بررسی موارد بکارگیری حق و تو، متوجه خواهیم شد که این بکارگیری منفعت‌طلبانه اعضای دائم از موضع قدرت است که خود نمایی می‌کند و شاهد این مطلب می‌شویم که چه تعداد کثیری از انسان‌های بی‌گناهی که فدای منافع کوتاه مدت و بلند مدت صاحبان امتیاز و تو شده‌اند و در بسیاری از موارد حق و تو نه تنها کمکی نکرده بلکه خود بزرگترین مانع بر سر راه حفظ صلح و پیشبرد حقوق بشر دوستانه بوده است. هرچند استفاده از امتیاز و تو در دو دهه اخیر نسبت به دهه‌های پیش کاهش چشم‌گیری داشته است. تلاش‌های جهانی در قالب قطعنامه اتحاد برای صلح و نظریه مسئولیت حمایت، تلاش‌هایی در جهت ایجاد محدودیت‌هایی بر سر راه این امتیاز بوده است. با توجه به موانع موجود که در بخش انتهایی مقاله به آنها اشاره شد و آنچه در بخش نظریات موافقان این امتیاز ذکر گردید، حذف این امتیاز ناشدنی است و خود خطر بزرگی بر سر مسئله صلح جهانی است اما بسیار لازم و ضروری است تا با اصلاحاتی بر محدودیت‌های استفاده از این امتیاز افزوده گردد و تعداد دارندگان این امتیاز نیز افزایش یابد تا توازن قدرت نمود بهتری پیدا کند و از حالت دو و قطبی خارج گردد. ضمن اینکه فرصت مناسب برای قبول گسترش محدود شورای امنیت از جمله پذیرش آلمان و چین با حق و تو تا حدودی به وجود آمده^{۴۴} و باید این قاعده گنجانده شود که اعضای دائم شورا تنها زمانی مجاز به استفاده از این امتیاز باشند که مستقیم پای منافع و امنیت ملی خودشان وسط باشد و هرگز به خاطر منافع کشور دیگری از این امتیاز استفاده ننمایند و حقوق انسان‌های بی‌گناه زیادی را قربانی منافع یک کشور غیر عضو ننمایند چرا که این امتیاز صرفاً مختص همین پنج عضو شورا است و این کار به طور غیرمستقیم بر تعداد کشورهای متمتع از امتیاز و تو می‌افزاید و رنگ و بوی تبعیض‌آمیزتری به این امتیاز می‌بخشد. در گام بعدی، باید موارد ارجاعی به مجمع

عمومی را کمی گسترده‌تر کنند تا در مواقع بحرانی شورای امنیت در انجام مهم‌ترین وظیفه‌اش در حفظ صلح و امنیت کاملاً فلج نگردد و بتواند در حفظ آن و به تبع آن، پیشبرد حقوق بشردوستانه موفق‌تر عمل کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Humanitarian law

2. Veto

۳. ضیائی بیگدلی، محمد رضا، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: گنج دانش، چ. سی و هفتم، ۱۳۸۸، ص. ۵۳.

۴. موسی زاده، رضا، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: میزان، چ. دهم، ۱۳۸۸، صص. ۹۴-۹۳.

۵. کرمی، فرزانه، *حق وتو و کاربردهای تاریخی آن*، جام جم، ۷ مهر ۱۳۹۰.

۶. ذاکریان، مهدی، *”مرگ حق وتو نزدیک است اگر...“*، *ماهنامه علوم انسانی*، ش. ۱۶، سال دوم، آبان‌ماه ۱۳۹۰.

۷. تقفی عامری، ناصر، *سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌الملل*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول ۱۳۷۰، ص. ۲۲.

۸. جمشید، ممتاز، *”محدودیت در استفاده از حق وتو“*، مصاحبه با دیپلماسی ایرانی، بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترس در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1897727>

۹. موسی زاده، *پیشین*، ص. ۱۳۲.

۱۰. ضیائی بیگدلی، *پیشین*، ص. ۲۴۶.

۱۱. پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان ۱۳۵۸)، دولت آمریکا در ژانویه ۱۹۸۰ تلاش کرد قطعنامه‌ای حاوی تحریم‌های شدید علیه ایران به تصویب برساند که با وتوی شوروی رو به رو شد.

۱۲. موسی زاده، *پیشین*.

۱۳. *همان*، ص. ۱۳۳.

۱۴. گلدوزیان، ایرج، *”حق وتو شورای امنیت و نقش آن از منظر حقوق بین‌الملل*

کیفری“، *ماهنامه دادرسی*، شماره ۹۱، سال شانزدهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱، ص. ۱۴.

۱۵. دستمالچی، اصغر، *دیوان کیفری بین‌المللی رویای شیرین و واقعیت تلخ*، تهران:

- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص. ۳۶.
۱۶. آل‌اسحاق، حبیب، *دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص. ۴۴؟
۱۷. شفیعی، نوذر، "تحول در مفهوم صلح"، قابل دسترس در:
www.dr-shafie.ir/post-93.aspx
۱۸. سیاه رستمی، هاجر، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)*، کمیته مللی حقوق بشردوستانه، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۰، ص. ۱۴.
۱۹. "حق و تو"، شبکه خبری دانشجو، قابل دسترس در:
<http://www.snn.ir/news-13901123096.aspx#i>
- 20–Andrei Gromyko
۲۱. پایگاه خبری تحلیلی ندای انقلاب، "همه وتوهای امریکا علیه فلسطین"، مرداد ۱۳۹۲، قابل دسترس در:
<http://www.nedayeenghelab.com/vdcaoino.49nao15kk4.html>
۲۲. UNFICYP
۲۳. UNSIMIC
۲۴. ایروانی، امیر سعید، "بررسی نحوه استفاده اعضای دائم از حق وتو در ۱۰ سال گذشته"، قابل دسترس در:
www.isrjournals.ir/america_europe-farsi/425.
۲۵. "هشدار دیده‌بان حقوق بشر نسبت به ژنوساید مسلمانان میانمار"، قابل دسترس در:
[www.tnews.ir/khabar/4A9614052473.html](http://tnews.ir/khabar/4A9614052473.html)
۲۶. "سازمان ملل متحد: ناتوانی‌ها و ناکارآمدی‌ها"، قابل دسترس در:
<http://mandeman.blogfa.com/post/11/8>.
۲۷. کرمی، جهانگیر، *شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشردوستانه*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، صص. ۱۵-۱۸.
۲۸. Michael, Glennon, "Why the Security Council Failed", *Foreign Affairs*, 20 May 2003.
۲۹. آقایی، سید داوود، "شرایط نوین بین‌المللی و ضرورت تحول ساختاری در سازمان ملل متحد"، *همشهری دیپلماتیک*، ۱۱ دی ۱۳۸۲.
۳۰. گزارش خبری فارس نیوز، قابل دسترس در:

www.farsnews.com/printable.php?nn=8907060463

۳۱. توماس جی وایس، "توهم اصلاح شورای امنیت"، ترجمه سید محمد آذین، قابل دسترس در:

www.mehrnameh.ir/article/2752.html

Acheson-۳۲

۳۳. موسی زاده، پیشین، ص. ۱۵۸.

۳۴. ممتاز، پیشین.

۳۵. خسروی، شهرام، "ساختار شورای امنیت در اصلاحات سازمان ملل متحد"، فصلنامه راهبرد، شماره سی و هشتم، مرکز تحقیقات استراتژیک، زمستان، ۱۳۸۴، ص. ۹۹.

36. Stephen G. Brokland William C. Wolforth, "American Primacy in Primacy Perspective", *Foreign Affairs*, Vol 81 (July August 2002), pp.20-23.

37. Henry J. Aaron, James M. Linp say, *Agenda for the Nation*, Brookings Institution Press, Washington D.C., p. 292.

38. John Ikenberry, *Getting Hegemony Right the national Interest*, spring, 2001, pp. 17-27.

39. William Wolforth, *the Stability of unipolar World*, International Security 24, No. 1, (1999) pp.5-41.

۴۰. جی گلینگتون، میشایل، "علل ناکامی شورای امنیت"، مترجم علی فهیم دانش، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۸۹-۱۹۰.

۴۱. تقی عامری، ناصر، سازمان ملل متحد، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۶، صص. ۲۱-۲۲.

۴۲. ترابی، قاسم، "اصلاحات شورای امنیت؛ زمینه‌ها و موانع"، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱، پاییز ۸۵ مرکز تحقیقات استراتژیک، ص. ۳۶۹.

۴۳. ذاکریان، پیشین.

۴۴. تاورنیه، پل، "تغییر ساختار شورای امنیت و نقش قدرت‌های بزرگ"، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز ۱۳۷۴، ص. ۵۰۷.